



روایت فلسطین

احسان صفرزاده

آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای از متن پیاده شده چند جلسه ارائه بنده در مرکز همام با موضوع فلسطین به مثابه تجربه‌ای از استعمار استیطانی است. تلاشم این بوده که وقایع اصلی داستان را بازگو کنم. داستان استعمار فلسطین داستانی واقعی و دنباله دار با زیرشاخه‌ها و خرده روایت‌های فراوان است که هنوز به پایان خود نرسیده؛ در ایران صحبت از فلسطین بسیار است ولی قصه‌اش کمتر بیان می‌شود و شعارها، که البته در جای خود لازم و مفید هستند، جای آن را گرفته است. حامیان فلسطین در ایران برای تقویت گفتمان خود نیاز دارند تا تاکید بیشتری بر روایت فلسطین برای مخاطب ایرانی داشته باشند.

تأسیس رسمی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ اتفاق می‌افتد ولی برای مطالعه ریشه‌های آن، به یکی دو قرن قبلش برمی‌گردیم و بررسی را از آنجا شروع می‌کنیم. در قرن هجده، حدود ده میلیون نفر یهودی در سراسر جهان وجود داشته؛ معمولاً در کشورها و شهرهای مختلف محله‌هایی مخصوص به خود داشته‌اند.

در میان یهودیان، اشرافشان با سایر شهروندان کشورها در هم آمیختگی بیشتری پیدا کرده بودند؛ چون تعلق کمتری به مناسک یهود داشته و چندان دیندار نبودند. دین یهود احکام سخت گیرانه‌ای دارد مثلاً غذای حلال یهودی دامنه‌اش خیلی محدودتر از سایر ادیان است. به همین خاطر محله‌های یهودی در هر شهر جدا است چون قصابی و رستوران و معبد و مدرسه مخصوص خود دارند. در کشورهای اروپایی به این محله‌ها گتو می‌گفتند.

البته یهودیان به نسبت سایر جمعیت‌ها، وضع مالی بدی نداشته‌اند. در چشم مردم دنیا هم این موضوع نمود داشته یعنی در کشورهای مختلف، یهودی را با پول می‌شناختند. اولین بانکداران دنیا و مبدع بسیاری از فرایندهای مالی مدرن، یهودی بوده‌اند. در تجارت و مبادله کالا فعال بوده و چون جمعیت‌های شان در نقاط مختلف دنیا پراکنده بودند، با هم ارتباط گرفته و شبکه‌هایی را برای تجارت و حمل و نقل کالا شکل داده بودند.

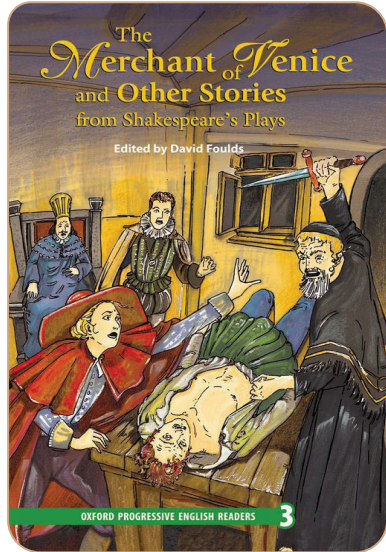
ثروت گسترده و ارتباطات وسیع بین‌المللی و نفوذ در کشورهای مختلف باعث شده بود اشراف یهودی به مرور زمان با بسیاری از دربارهای اروپایی پیوند بخورند.^۱

اروپا در قرن هجدهم با بحران‌هایی مواجه می‌شود. این بحران‌ها اقتصادی است. بحران اقتصادی بر بدنه اجتماع تأثیر منفی می‌گذارد و تبدیل به یک بحران اجتماعی می‌شود. تلقی مردم این بوده که مقصر این بحران یهودیان هستند و تصویر یهودی در ذهن مردم، زالویی بوده که به جان کشورشان افتاده و خون جامعه را می‌مکد. در نشریات اروپایی آن دوره کاریکاتورهایی در این زمینه وجود دارد. عمده صفتی که در این نشریات برای آن‌ها به کار می‌برده‌اند «موش کثیف» یا «خوک کثیف» است. البته در دوره‌های قبل هم رابطه جوامع مسیحی با یهودیان رابطه‌ای مسالمت‌آمیز نبوده است.^۲

یهودیان و مسیحیان از همان قرون نخست میلادی، به شدت با هم ضدیت داشتند. در طول قرن‌ها، مسیحیت، یهودیان را قاتلان عیسی

۱. برای مطالعه بیشتر به جلد دوم کتاب زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران نوشته عبدالله شهبازی مراجعه کنید.

۲. نمایشنامه تاجرونیازی شکسپیر که در اواخر قرن شانزدهم نوشته شده نمونه‌ای است که نگرش مسیحیان به فرد یهودی را در این دوره نشان می‌دهد.



■ نمایشنامه
تاجرونیزی
شکسپیر

مسیح می دانست.^۱
فیلم مصائب مسیح، نشانگر این تلقی
مسیحیت از یهودیان است. در این فیلم مؤکدا
نشان داده شده کسانی که بر عیسی مسیح
می شورند و او را دستگیر و شکنجه و اعدام
می کنند بزرگان یهود هستند...^۲

بحران اقتصادی اروپا و تحلیلی که مردم از
ریشه های آن داشته اند آن ها را به این نتیجه
می رساند که از شهروندان یهودیشان که با
هم ناسازگار بودند خلاص شوند. یهودی ها هم
که فشارهای مردم جوامعشان را می بینند روز به

روز نارضایتی شان از وضعی که در آن به سر می برند بیشتر می شود. برای
همین ایجاد تغییر در وضع یهودیان، مطلوبیت پیدا می کند. به عنوان
راه حل، چند ایده در این زمینه در میان نخبگان یهودی طرح می شود.
یکی از مهم ترین ایده ها این بوده که در جوامع مسیحی غرب هضم
شوند. هرتزل (شخصیت معروف یهودی) در سال ۱۸۹۳ راه حل را در
مسیحی شدن می داند و می گوید تمام یهودیان باید بروند و در کلیسای
روم، مسیحی شوند. طبیعی بوده که علمای یهود با این طرح مخالفت
کنند.

هرتزل دکترای حقوق داشته، روزنامه نگار بوده و نفوذ بسیار بالایی داشته
است. همین فرد چند سال بعد از مخالفت علمای یهودی با طرح
نخستش، طرحی تازه را پیشنهاد می کند. هرتزل کاملاً سکولار و لائیک

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه نزاع تاریخی یهودیان و مسیحیت و تغییر معادله آن در دوره معاصر، به کتاب واتیکان،
دنیای اسلام و غرب نوشته سید هادی خسروشاهی مراجعه کنید.

۲. این فیلم به کارگردانی مل گیسون در سال ۲۰۰۴ ساخته شد. مل گیسون از متدینین مسیحی است که چرخش
معاصر مسیحیت در قبال یهود را نپذیرفته است.

بوده و در منش فردی هم هیچ تعلقى به مذهب نداشته است. او در سال ۱۸۹۵ به راهى بینابین مى‌رسد و در کتاب دولت یهود' مباحث تازه خود را طرح مى‌کند.

در این کتاب مدلى جدید را پیشنهاد مى‌دهد. محتوای پیشنهادش چیست؟ سرزمینی را برای خود به عنوان کشور انتخاب و همه یهودیان از سراسر دنیا به آن مهاجرت کرده و دولتی مستقل تشکیل دهند. علمای یهودی بازهم مخالفت می‌کنند با این استدلال که زمان تشکیل دولت یهود هنوز فرا نرسیده است.

علمای یهودی مخالف با مدل پیشنهادی هرتزل نه یک اقلیت بلکه اکثریت علمای آن دوره بوده‌اند. آن دسته از علما و متدینین یهودی که هنوز هم همان نظر را دارند و همچنان بر مخالفت با ایده هرتزل اصرار می‌ورزند را یهودیان ضد صهیونیسم یا ناتوری کارتا می‌نامند.

طرح هرتزل با چهار طیف ارتباط داشته:

اول قشر متوسط و معمول یهودیان بوده‌اند. یعنی کسانی که در محله‌های یهودی در کشورهای مختلف زندگی می‌کردند. این‌ها



تئودور هرتزل

باید مهاجرت کرده و نیروی انسانی این طرح را تشکیل می‌دادند. دسته دوم اشراف یهودی و طیف متنفزی بودند که در محله‌های اشرافی اروپا در کنار سایر اشراف غربی ساکن شده بودند. این‌ها باید سرمایه‌گذاری مالی می‌کردند.

دسته سوم قدرت‌های غربی بودند که هرتزل می‌دانست بدون حمایت آن‌ها نمی‌تواند کاری انجام دهد.

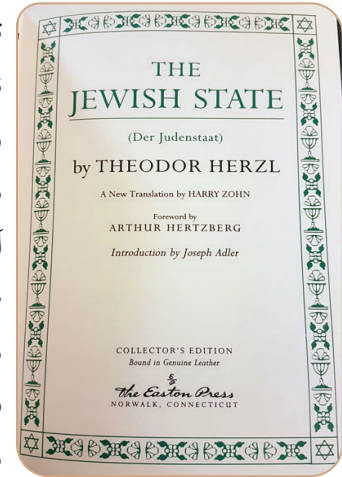
دسته چهارم نیز مسلمانان یا هر جماعت یا دولتی بوده که این‌ها قصد

۱ این کتاب با ترجمه ناصر پورحسین به فارسی ترجمه شده است.

تصاحب خاک او را داشته‌اند. در واقع دسته چهارم نقش قربانی را داشته است.

وقتی این ایده (تصاحب سرزمین و تشکیل دولت یهود) شکل گرفت آیا مصداقش هم مشخص بود و آیا این مصداق فلسطین بود؟

صهیونیست‌ها امروز اصرارشان همین است می‌گویند ما در طول قرن‌ها، همیشه به دنبال بازگشت به فلسطین بوده‌ایم. فلسطین وطن تاریخی ما بوده و ما هیچ وقت با وطن تاریخی مان قطع ارتباط روحی نکرده بودیم و حضورمان در کشورهای دیگر به صورت



■ کتاب دولت
یهود

موقت بوده است!

در حالی که واقعیت متفاوت است. هنگام طرح ایده هرتزل تا سال‌ها گزینه‌های مختلفی مطرح بوده‌است. آن دسته از مذهبی‌های یهود که به مرور مقاومتشان نسبت به ایده هرتزل کم‌تر شده بود و کلیت ایده‌اش را پذیرفته بودند وقتی گزینه‌های مختلف مطرح شد تمایلی به فلسطین نداشتند؛ فلسطین در حد یکی از گزینه‌ها در کنار سایر موارد قرار داشته؛ دلیل مخالفت مذهبی‌های یهود چه بوده؟

مهاجرت دسته جمعی به فلسطین را تا پیش از پیدایش ماسیح یهودی، جایز نمی‌دانستند.

البته علما و متدینین یهودی در این دوره یکی از عوامل تاثیرگذار بر جوامع یهودی بوده‌اند و نه تنها عامل.

گزینه دیگر برای مقصد مهاجرت، اوگاندا بوده؛ اهمیت اوگاندا به این

۱. شلومو زند (سند) در کتاب اختراع قوم یهود ادعاهای تاریخی فعلی صهیونیست‌ها را نقد و بررسی و به تفصیل روایات و تاریخ سازی جعلی را بیان کرده است.

است که سرچشمه‌های نیل در این سرزمین است. گزینه دیگر بحرین و گزینه دیگر بخشی از عربستان بوده و چند گزینه دیگر مانند آرژانتین هم مطرح بوده است. در کنار اینها، فلسطین بوده که علاوه بر آب و هوای خوب و حاصلخیزی خاک، موقعیتی استراتژیک نیز داشته؛ فلسطین چهارراه متصل کننده قاره‌های بزرگ دنیاست. از بین همه موارد، فلسطین و آرژانتین جدی‌تر از بقیه مطرح می‌شود.

این بحث‌ها از اواخر قرن نوزدهم تا سالهای نخست قرن بیستم در کنگره‌های جهانی صهیونیسم در جریان بوده است. هرتزل و طرفدارانش به عنوان صهیونیست شناخته می‌شوند و اولین کنگره جهانی شان را سال ۱۸۹۷ در شهر بال سوئیس برگزار می‌کنند.

صهیون نام کوهی در اطراف بیت المقدس است. ممکن است این سؤال مطرح شود که در برهه‌ای که هنوز گزینه نهایی مشخص نشده و فلسطین تنها یکی از گزینه‌های احتمالی است چطور نام این تشکیلات از ابتدا صهیونیسم انتخاب شده؟

دلیلش این است که چند دهه قبل از آن هم تجربه‌ای مشابه در حجمی کوچک روی داده بود که نام صهیونیسم برگرفته از الگوی ایشان است. در نیمه نخست قرن نوزدهم دسته‌هایی از یهودیان ترغیب به مهاجرت به فلسطین و ایجاد شهرک‌هایی مستقل در قالب مستعمره شده بودند. اینچنین تبلیغ می‌شود که با توجه به این که اجداد یهودیان در دوره‌ای در فلسطین ساکن بوده‌اند دوباره به این سرزمین کوچ کرد. (این گزاره برخلاف نظر اکثریت عالمان یهود بوده ولی کسانی هم بوده‌اند که مخالفتی نداشته یا به نوعی گناه مهاجرت به فلسطین قبل از پیدایش ماشیح را توجیه می‌کرده‌اند چون احکام یهودی مهاجرت به صورت دسته جمعی و سازمان یافته و تأسیس دولت تا پیش از پیدایش ماشیح

را جایز نمی دانسته و تنها برای زیارت و مسائل عبادی مجاز به حضور در این سرزمین بوده اند) به مرور انجمن و جنبشی شکل می گیرد بنام «محبان صهیون» که شعباتی در کشورهای مختلف داشته است. از میان ۹ میلیون یهودی ۱۵۰ هزار نفر به این جنبش می پیوندند (اعلام حمایت می کنند) و از میانشان مهاجرت هایی به فلسطین صورت می گیرد. این مهاجرت ها چند دهه قبل از ایده هرتزل است و شماری از مهاجران به مرور به دلایل مختلف به کشورهای خود باز می گردند.

ایده صهیونیسم هرتزلی یک تفاوت جدی با ایده قدیمی تر اعضای این انجمن (محبان صهیون) داشته است و آن اینکه هرتزل معتقد بوده اتکای یهودیان نباید تنها به خودشان باشد. او هشدار می دهد که مردم سرزمین مقصد، به هر حال علیه مهاجرت یهودیان اعتراض خواهند کرد. راه کار می دهد که از تجربه های موفق تاریخ استفاده شود. کدام تجربه موفق؟ استعمار!

در برخی مستعمره ها مهاجران اروپایی، سرزمین را تصاحب کرده و اهالی آن را بیرون می کنند. نمونه روشن این نوع استعمار، قاره امریکاست. استرالیا نیز همینگونه توسط آنگلوساکسون ها تصاحب شده است. هرتزل نمونه هایی از استعمار استیطانی را مثال می زند و تأکید می کند که برای چنین کاری قدرت و پشتوانه، لازم است. بنابراین هرتزل در این نکته که باید با قدرت های بزرگ هماهنگ شد، با انجمن محبان تفاوت داشت. زیرا آن ها تا پیش از آن، پروژه هایشان را با دولت های اروپایی هماهنگ نمی کردند. مستعمره سازی در سطحی کوچک داشته اند ولی با اتکای به خودشان نه به صورت بده بستان و مشارکتی با دولت های غربی.

به عنوان نمونه، از این صهیونیست های اولیه حدود ۶۰ سال قبل از ایده

نهایی هرتزل، شخصی ثروتمند و متنفذ به نام موشه منتفیوری بوده که علاقه زیادی به مستعمره‌سازی داشته است. این فرد، فلسطین را سرزمینی مهم برای کشاورزی و کسب درآمد می‌بیند، بنابراین به سراغ عثمانی^۱ که در قرن نوزده اوضاع اقتصادی بدی داشته می‌رود، به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد که برایشان بانک تأسیس کرده و در زمینه مالی به آن‌ها نفع رساند. در عوض از عثمانی می‌خواهد که اجازه ساختن مستعمره در فلسطین را به او بدهد. او زمین‌هایی را در فلسطین در اختیار می‌گیرد و بخشی از انجمن محبان صهیون را به عنوان نیروی کار جذب می‌کند. منتفیوری اولین مستعمره اسرائیلی را شکل می‌دهد.^۲ خاندان او با گذشت حدود یک و نیم قرن - هنوز پابرجا و معروف است و نفوذ بالایی دارند.

آسیاب
منتفیوری
در اطراف
بیت المقدس
در چند مرحله
ترمیم و بازسازی
شده است



هرتزل کار منتفیوری و دیگران را آسیب‌شناسی کرده و ایده خودش برای جلب حمایت قدرت‌های بزرگ را پیگیری می‌کند. او برای قدرت‌های غربی استدلال می‌کند که این کار باعث می‌شود مردم شما از دست

۱. برای آشنایی با دولت عثمانی کتاب دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال نوشته اسماعیل احمد یاقی با ترجمه رسول جعفریان را مطالعه کنید.

۲. در خصوص موشه منتفیوری به مقاله‌ای با عنوان نام وی در دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم (المسیری) مراجعه کنید.

یهودیان خلاص شوند. فایده دوم این است که یهودیان بخشی از تمدن غرب هستند و هرچا برون‌داد تمدن غرب خواهند بود؛ یعنی دایره نفوذ فرهنگی قدرت‌های غربی را بیشتر می‌کنند. به یهودیان نیز نوید رهایی از رنج‌ها را می‌دهد. متنفذان و اشراف یهودی را نیز اینگونه اقناع می‌کند که لازم نیست شما لزوماً خودتان به فلسطین مهاجرت کنید. هرکس مایل باشد بیاید و هرکه نخواست، دورادور حمایت کند. توجیهش برای اقناع مردم کشور مقصد نیز اینگونه بوده که یهودیان به‌عنوان نیروی کار به اینجا وارد می‌شوند. یهودیان برای گذران زندگی نیاز دارند مایحتاج خود را برآورده کنند و برای برآوردن نیازهای خود نیازمندند که کشاورزی کنند. بر اثر کشاورزی و سایر فعالیت‌های تولیدی، آن منطقه آبادتر شده و زمین‌ها ارزش پیدا می‌کند. جمله هرتزل است که زمینی اگر ارزش پیدا کند، ارزش زمین‌های اطرافش را نیز افزایش می‌دهد. برخی روشنفکران عثمانی با چنین توجیهاتی وسوسه می‌شوند. همچنین به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد که سرمایه‌داران یهودی علاوه بر تأسیس بانک برای شما دانشگاه تأسیس خواهند کرد. همه این امتیازها را می‌دهیم که فقط بخشی از زمینها را (خیلی بیشتر از آن چه قبلاً افرادی مانند مونتفیوری گرفته بودند و مستعمره سازی کرده بودند)

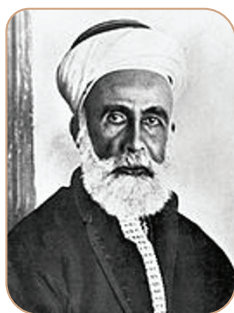
■ کنگره‌های
جهانی
صهیونیسم بعد
از هرتزل

در اختیار ما بگذارید؛ معامله‌ای برد-برد. با این وجود سلطان عثمانی با پیشنهاد هرتزل در این سطح (کلان) موافقت نمی‌کند؛ در حالیکه اوضاع مالی عثمانی در این برهه، بحرانی است.

در این اثنا هرتزل نیز می‌میرد. پس از او «کنگره جهانی صهیونیسم»، همچنان به



صورت سالانه برگزار شده و «سازمان جهانی یهود» را تأسیس می‌کند. در این مرحله آن‌ها به قدرتی بزرگ متوسل می‌شوند: انگلیس در این برهه درگیر جنگ جهانی اول بوده و به عنوان بخشی از جبهه متفقین با کشورهای متحدین از جمله عثمانی در جنگ بوده‌اند. در همین زمان شخصیتی به نام لورنس در مملکت عثمانی تأثیرگذار می‌شود؛ یک اروپایی بسیار باهوش که زبان‌های خارجی زیادی از جمله عربی را بلد است. او به شکل و شمایل عربی به گوشه‌ای از سرزمین عثمانی می‌رود و با حاکمان محلی گماشته شده از سوی عثمانی طرح دوستی می‌ریزد: شبه جزیره عربستان. فیلم سینمایی لورنس عربستان، درباره اوست.^۱



■ شریف حسین

حاکم مکه به نام شریف حسین، منصوب عثمانی در این منطقه بوده است. لورنس به سراغ او می‌رود و با پسرش طرح دوستی می‌ریزد. لورنس بر تمایز و تقابل عرب و غیرعرب از جمله اعراب و اتراک دست گذاشته و آنها را علیه دولت عثمانی (ترک) می‌شوراند. او به عنوان فرستاده انگلستان، وعده‌هایی می‌دهد که بعد از جنگ جهانی (اول) و در صورت

پیروزی بر متحدین، تمام سرزمین‌های عربی این منطقه، به حاکمیت شریف حسین برسد. (شامات و عراق و شبه جزیره و...) برای راستی‌آزمایی حرف‌هایش آن‌ها را تشویق می‌کند تا با نماینده رسمی انگلیس در مصر مکاتبه کنند. شریف حسین با مک ماهان (نماینده انگلیس در مصر) نامه نگاری کرده و مک ماهان، لورنس را تصدیق می‌کند.

شریف حسین در حمایت از متفقین، به سمت سرزمین‌های میانی عثمانی لشکرکشی می‌کند. در همین اثنا معاهده‌ای بین‌المللی افشا

۱. این فیلم براساس برخی اسناد و خاطرات وی (کتاب خاطراتش منتشر شده) در سال ۱۹۶۲ ساخته شده است.

می‌شود: معاهده سایکس پیکو. این توافق نامه نامش را از سر مارک سایکس بریتانیایی و فرانسوا ژرژ پیکوی فرانسوی گرفته است. اشخاصی که به عنوان نمایندگان دو کشور توافق کرده بودند که به همراه روسیه کشورهای منطقه را با هم تقسیم کنند تا مشخص شود که مناطق عثمانی به چه کشورهایی برسد. این توافق توسط انقلابیون روسیه در ۱۹۱۷ افشا می‌شود. انقلابیون ۱۹۱۷ همه معاهدات استعماری رژیم سابق (روسیه تزاری) را افشا می‌کردند. با افشای این قرارداد، شریف حسین پی می‌برد که ممالک عربی قبلاً توسط فرانسه و انگلیس بین خودشان تقسیم شده و بهره او خیلی کمتر از تصویری است که پیشتر در خلال مذاکره با نمایندگان انگلیس برایش ایجاد شده بوده؛ با این حال به همراهی خود ادامه می‌دهد.^۱

بعد از جنگ، مناطق بر اساس همان معاهده سایکس پیکو تقسیم می‌شود و مناطقی نیز به شریف حسین و فرزندانش می‌رسد تا به صورت تحت الحمایه قدرت‌های اروپایی و نه مستقل - پادشاهی کنند؛ عراق به فیصل و اردن به عبدالله، سردیگرش می‌رسد. فلسطین نیز در این تقسیم‌بندی به انگلیس می‌رسد. انگلیس در چارچوب مدل قیمومیت فلسطین را در اختیار می‌گیرد. در این دوره، انگلیس مهاجرت یهودیان به فلسطین را آزاد می‌کند. هربرت ساموئل اولین حاکم انگلیسی فلسطین بوده است. هربرت ساموئل خودش یهودی انگلیسی است. در این مرحله یهودیان وارد فلسطین می‌شوند اما نه با خشونت و زور.

۱. دولت انگلستان در این دوره با سه طرف مختلف به صورت جداگانه وارد تعامل می‌شود: (۱) شریف حسین که حاکم مکه است و ظرفیت بسیج اعراب سرزمین‌های مختلف علیه اتراک را دارد. (۲) دولت فرانسه برای جلب همکاری و تقسیم منطقه (۳) سازمان جهانی صهیونیسم که در قالب وعده مشهور بالفور حمایت قطعی انگلستان از پروژه مهاجرت سازمان یافته و تأسیس دولت صهیونیستی را به صورت رسمی به ایشان اعلام می‌کند. برای مطالعه بیشتر از نقش انگلستان در این دوره به کتاب قضیه فلسطین پیشینه تاریخی و تحولات معاصر نوشته محسن محمد صالح مراجعه کنید.

آن‌ها بخشی از اعراب را توجیه می‌کنند که ما در این منطقه امکانات آورده‌ایم؛ درمانگاه، مدرسه، بیمارستان و دانشگاه و غیره؛ یعنی همان بازی برد-برد. بخشی از اهالی فلسطین احتمالاً فریب این توجیحات را خورده‌اند اما اینکه کل مردم فلسطین استدلال‌های صهیونیست‌ها را بپذیرند، اینگونه نبوده است. کل زمینی که اسرائیلی‌ها توانستند بخرند کمتر از ۶ درصد بوده که آن را نیز از مردم نخریده‌اند بلکه از خوانین و فئودال‌ها خریده‌اند؛ خوانین ساکن در اروپا که شاید سالی یکبار برای سرکشی بردارایی‌هایشان به فلسطین می‌آمده‌اند و تعلقشان به فلسطین تعلق مالی بوده است و تعلقات جدیدی در جامعه غرب برای خود پیدا کرده بودند. وقتی قیمت‌هایی گزاف برای زمین‌هایشان پیشنهاد شد پذیرفتند.

بخش زیادی از مردم در این دوره دنباله‌روی علمای دینی بودند. علمایی مانند شیخ امین الحسینی مفتی بیت المقدس پیشرو اعتراضات مردمی بوده است. او در سال ۱۹۲۶ کنفرانسی را در مکه برگزار می‌کند و گزارشی از واقعه را به اطلاع علمای جهان اسلام می‌رساند. قرار می‌شود که کنفرانسی در بیت المقدس تشکیل شود. کنفرانس در سال ۱۹۳۱ در بیت المقدس تشکیل می‌شود. علمای شیعه و سنی ایران، هندوستان، لبنان و عراق و غیره در این کنفرانس شرکت می‌کنند که مصوباتی دارد. یکی از این مصوبات تشکیل صندوقی برای حمایت از فقرا بوده است. علما به کشورهای خود بازمی‌گردند که پول جمع کرده و به فلسطین بفرستند. علمای هندوستان آن زمان مبالغ زیادی جمع می‌کنند ولی انگلیسی‌ها که حاکم بر هندوستان بودند مانع رسیدن پول به فلسطین می‌شوند. این دوره سرآغاز قیام‌ها و مبارزه‌ها در فلسطین است.



عزالدين
قسام

چهره‌هایی مانند عزالدین قسام مربوط به این دوره‌اند.^۱ این رویدادها متعلق به نیمه اول قرن بیستم است. از یک سو مهاجران دسته دسته وارد می‌شدند و از سوی دیگر اعتراضات مردم بومی ادامه داشت و البته قیام‌هایشان سرکوب می‌شد. یهودیانی که در این دوره به فلسطین مهاجرت می‌کردند در مجموعه‌هایی به نام کبیوتص اسکان داده می‌شدند. کبیوتص مزرعه‌ای اشتراکی است که صدها و گاهی چند هزار نفر زن و مرد با هم در آنجا ساکن می‌شدند و با هم کار و همراه با هم مصرف می‌کردند. در کبیوتص همه چیز اشتراکی بوده؛ مالکیت وجود نداشته؛ فرزندان، جدا از والدین بوده‌اند؛ جایی شبیه مهدکودک تقریباً دائمی. برخی مهاجران هم بوده‌اند که مدل کبیوتص را به دلیل سختی نمی‌پذیرفتند. برای این‌ها مدل موشاو طراحی شده؛ در موشاو، مالکیت به رسمیت شناخته می‌شده است؛ موشاوها مزرعه‌هایی بوده که یهودیان متمول‌تر در آن ساکن شده و مالک زمین و تولیداتشان بوده‌اند.

این مدل‌ها نوع طراحی‌شان بر این اساس بوده که ساکنانش تجربیات مشترکی پیدا کنند. چون کسانی که به فلسطین وارد می‌شدند هر کدام از یکی از کشورها آمده بوده و فرهنگ‌های مختلفی داشتند. قبل از آن تجربه‌های مشترکی نداشته و از داشتن خاطره جمعی بی بهره بوده‌اند. به همین خاطر در این دوره از بین بردن فردگرایی و ایجاد تعلق به جمع و تولید خاطرات مشترک و فرهنگ مشترک برای پروژه صهیونیسم خیلی اهمیت داشته است.

فایده دیگر این زندگی اردو مانند این بوده که برای شرایط سخت‌تر

۱. کتاب حرکت اسلامی فلسطین از آغاز تا انتفاضه به قلم سید هادی خسروشاهی به قیام‌های این دوره که درون مایه اسلامی دارند پرداخته است. ایدئولوژی‌های مبارزاتی چپ در این دوره جایی در مبارزات ندارند و ظهورشان در فلسطین در دوره‌های بعد است.

آمادگی پیدا کنند. آموزش در این سال‌ها بسیار پرزنگ و یکی از این آموزش‌ها زبان عبری بوده؛ در آن زمان عبری، زبانی رایج نبوده و تنها در مناجات‌ها و نمازها رواج داشته است. اما در این دهکده‌های اشتراکی به ترویج و آموزش عبری می‌پردازند تا زبانی مشترک ایجاد کنند. آموزش نظامی‌گری نیز جزو این آموزش‌ها بوده؛ برای دفاع افراد از خودشان در مقابل عرب‌ها، گروه‌های نظامی و آموزش‌های نظامی بسیار قوی‌ای را شکل می‌دهند. همین نظامی‌گری و کشاورزی، یهودیان را آماده کرده



تا قدرتی مستقل تشکیل دهند. بچه‌هایشان را هم از اول نظامی بار می‌آوردند؛ این افراد هرچند برآمده از کشورهای غربی بودند ولی در چارچوب پروژه صهیونیسم در مرحله مورد بحث سبک زندگی جدیدی را

اختیار کردند که متفاوت با سبک زندگی رفاه طلب قبلی بود و نیاز پروژه صهیونیسم در این دوره اعضایی است که قوی و متحد باشند برعکس الگوهای رایج غربی که افراد را سست و بی‌حال بار می‌آورد.^۱ در اواسط همین دوره، شخصیتی به نام جابوتینسکی، تشکیلاتی به نام «تجدید نظرطلبان صهیونیسم» تشکیل می‌دهد. او فردی با گرایش‌های افراطی بوده که فتح سنگربه سنگر را قبول نداشته و معتقد بوده باید ضربتی وارد شد و کار را سریعتر تمام کرد. یکی از عقایدش این بوده که انکار نکنیم که دنبال تشکیل دولت هستیم؛ بلکه آشکارا تصمیم

■ اولین تجربه‌های مشترک صهیونیست‌ها در کبیوتص

۱. یکی از آسیب‌هایی که در فضای داخلی اسرائیل نسبت به آن هشدار داده می‌شود تغییر سبک زندگی و روحیه رفاه گرایانه و مصرف زدگی است. برخی نقدها در فضای علوم اجتماعی اسرائیل، تأسیس و پیشروی‌هایشان را برآمده از سبک زندگی و روحیه‌های کارگری می‌دانند و فردگرایی و سبک زندگی جدید را یک خطر برای جامعه اسرائیل می‌دانند.

نهایی مان (تأسیس دولت و کشور صهیونیستی) را اعلام کنیم! ایده جابوتینسکی این بود که چون ما نژاد برتر هستیم و فلسطینیان نژاد پست‌تر، باید با آن‌ها بجنگیم و کار را یکسره کنیم. جابوتینسکی از آموزه‌های داروین تأثیر پذیرفته بوده؛ داروین نقش بزرگی در تاریخ منازعات بشری چند قرن اخیر داشته است. یکی از ایده‌های او تنازع بقا بوده؛ یعنی در نزاع و کشمکش، کسی باقی می‌ماند که قدرتمندتر است و این طبیعی است و نباید معترض و متعرض این روند شد. پس نتیجه این نگاه فلسفی این می‌شود که به تعرض یک قوم به قومی دیگر نباید اعتراض کرد چون پذیرفته‌ایم که اساس طبیعت بر نزاع است و کسی که قوی‌تر باشد حق دارد که باقی بماند و تقدیر ضعیف‌تر، نابودی است. این نظریه، مدافع مظلوم را به تماشاجی تبدیل می‌کند. «داروینیسم اجتماعی» در غرب بر سیاست و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و... تأثیرگذار بوده است.^۱ جابوتینسکی نیز یکی از طرفداران داروینیسم اجتماعی در غرب بوده است. او سازمانی نظامی تشکیل می‌دهد که به آموزش نظامی جوانان و نوجوانان می‌پردازد. بعد از مرگ جابوتینسکی، مناخیم بگین جانشین او می‌شود.

یکی از طرح‌های ضربتی صهیونیست‌ها که به مرور آموزه‌های جابوتینسکی در میانشان پررنگ‌تر می‌شده طرح دالت بوده است؛ این طرح برای پاکسازی نژادی بوده؛ ایده طراحان این بوده که عده‌ای را قربانی کنند تا سایرین بترسند. کشتار دیربایسین متعلق به این دوره و یکی از عملیات‌های طرح دالت است.^۲ فیلم «بازمانده»^۳ مربوط به یکی

۱. در این زمینه کتاب تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی ناصر فکوهی گزارشی‌هایی را آورده است.

۲. بخشی از کتاب پاک سازی نژادی در فلسطین نوشته پروفیسور ایلان پایه که توسط آزاده کشور دوست به فارسی ترجمه شده به طرح دالت پرداخته است.

۳. فیلم سینمایی بازمانده به کارگردانی سیف الله داد.

از وقایع همین طرح است. کشت و کشتار به راه می‌افتد و خبرهایش منتشر می‌شود؛ بسیاری از مردم بومی اقدام به مهاجرت می‌کنند و



بسیاری از مناطق خالی از سکنه می‌شود. انگلیسی‌ها که نتوانستند گروه‌های افراطی یهودی را وادار کنند که به طرح فتح سنگر به سنگر و آرام قناعت کنند و فشار صهیونیست‌ها از یک سو و مقاومت مردم بومی فلسطین از سوی دیگر در تنگنایشان قرار داده بود مسئله را به سازمان ملل ارجاع

در طرح دالت
و جنگ ۱۹۴۸
هشتصد هزار
فلسطینی
از روستاها و
محل‌هایشان
اخراج شدند

می‌دهند. سازمان ملل تصمیم‌گیری برای سرزمین فلسطین و ساکنانش را پذیرفت و آن را بین ساکنان بومی (اعراب مسلمان و مسیحی و...) و یهودیان تازه وارد تقسیم جغرافیایی کرد.^۱ (سازمان ملل مشروعیتی برای اینگونه تصمیم‌گیری ندارد و این تصمیم غیرقانونی است و بحث در مورد رفتار سازمان ملل مفصل است) در این مرحله دولت اسرائیل اعلام موجودیت می‌کند!

همزمان با کشتارهای طرح دالت و نیز اعلام تأسیس دولت اسرائیل در فلسطین، چند ارتش عربی که آن زمان متحد شده بودند، به رژیم اسرائیل حمله می‌کنند. سازمان‌های نظامی صهیونیستی نیز متحد شده و ارتش اسرائیل را شکل می‌دهند. اولین جنگ عرب‌ها با اسرائیل در همین زمان یعنی سال ۱۹۴۸ رخ می‌دهد که ارتش‌های عربی شکست می‌خورند. اسرائیل علاوه بر نیمی از خاک فلسطین که در قطعنامه سازمان ملل به صهیونیست‌ها بخشیده شده بوده مناطق دیگری که شامل ۷۸ درصد خاک فلسطین می‌شده را اشغال می‌کند.

۱. قطعنامه ۱۸۱ (نوامبر ۱۹۴۷).

دومین جنگ، در سال ۱۹۵۶ است که آنجا نیز عرب‌ها امتیازی در موضوع فلسطین به دست نمی‌آورند.

سومین جنگ در سال ۱۹۶۷ اتفاق می‌افتد. اسرائیلی‌ها حمله را شروع و ادعا می‌کنند که در مقابل حمله ناصری پیش‌دستی کرده‌اند. در این حمله ظرف ۶ ساعت اغلب هواپیماهای اسرائیلی به جبهه مقابل به ویژه حمله‌ور می‌شوند و پادگان‌های نیروی هوایی و آشیانه‌ها را بمباران می‌کنند. نیروی هوایی مصر را از کار می‌اندازند. مصر و سوریه و تا حدودی عراق ناتوان می‌شوند. پیشروی‌ها شروع می‌شود و در ۶ روز در «یوم النکسه» عرب‌ها شکست می‌خورند. اسرائیل غزه^۱ و صحرای سینا از مصر، بلندی‌های جولان از سوریه و کرانه باختری که مدیریتش در آن زمان بر عهده اردن بوده را از دولت‌هایشان گرفته و به سرزمین‌های اشغالی اضافه می‌کند.

در چنین فضایی ناصر استعفا می‌دهد. مردم در دفاع از ناصر به خیابان‌ها می‌ریزند. مردم ناصر را راضی می‌کنند که برگردد. ناصر به قدرت برمی‌گردد و شروع به بازسازی می‌کند. این مسیر دو سه سالی طول می‌کشد که ناصر فوت می‌کند.

جانشین او انور سادات است. سادات نیز مسیر ناصر را در پیش می‌گیرد. بعد از چندی در سال ۱۹۷۳ در یک عملیات غافلگیرانه به اسرائیل حمله می‌کنند. سادات از ابتدای قدرت، به اسلام‌گرایی تظاهر کرد و زندانیان اسلامی را آزاد کرد. اجماعی علیه اسرائیل ایجاد می‌کند و با سوریه به اسرائیل حمله‌ور می‌شوند. در روزهای اول جنگ، پیروزی‌های بزرگی را به دست می‌آورند. این پیروزی‌ها هم‌زمان با عید



انور سادات

۱. غزه اگرچه جزو فلسطین بوده اما مصر آن را اداره می‌کرده است.



■ آیت الله
سید احمد
خوانساری

کیپور اسرائیل بوده است. کشورهای اسلامی و حتی ایران از این پیروزی‌ها خوشحال می‌شوند. آیت الله سید احمد خوانساری دستور برگزاری جشن را در مسجد بازار تهران می‌دهد. در این مراسم آیت الله سیدرضا صدر سخنرانی می‌کند. روزهای آخر جنگ، اسرائیلی‌ها شروع به ضد حمله می‌کنند و از برخی نقاط ضعف استفاده کرده، نمی‌گذارند پیروزی مورد انتظار جبهه عربی تثبیت شود. برخی مکان‌ها را پس می‌گیرند و برخی مکان‌های جدید را هم

به سرزمین‌های اشغالی قبل اضافه می‌کنند. باب مذاکره باز می‌شود. از اینجاست که سادات بیان می‌کند که ما از راه نظامی توان مقابله با اسرائیل را نداریم. باید از راه سیاسی جلو رفت. مذاکرات ۶ سال به طول می‌انجامد.^۱ در سال ۱۹۷۹ در مذاکرات «کمپ دیوید»، آن‌ها اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و متعهد می‌شوند که به اسرائیل حمله نکنند و در مقابل اسرائیل نیز صحرای سینا را پس بدهد. کشورهای عربی این معامله مصر را محکوم کرده و او را از جمع خود بیرون می‌کنند. مصر که اخراج می‌شود، مصادف با اوایل حکومت حسنی مبارک بوده است. صلح مصر و اسرائیل اواخر دهه هفتاد میلادی است.

در اوایل دهه ۹۰ میلادی زمزمه‌هایی مطرح می‌شود که ما (کشورهای عربی) هم راه مصر را ادامه بدهیم. کنفرانسی برای صلح در اسپانیا تشکیل می‌شود که کشورهای مختلف حتی سوریه در آن شرکت می‌کنند. در این کنفرانس که در شهر مادرید اسپانیا برگزار می‌شده و به نام کنفرانس مادرید مشهور است که البته سوریه در مقایسه با دیگران

۱. یادداشت‌های پطرس غالی (وزیر خارجه مصر در آن دوره) با عنوان راه مصر به سوی قدس، شرح فراز و نشیب‌های این مذاکرات است. در این کتاب، پطرس غالی به عنوان حامی ایده مذاکره، تلاش‌های خود و همفکرانش برای حل مسئله از این مسیر توضیح می‌دهد.

تحفظ بیشتری داشته و نتایج مطلوب به دست نمی‌آید و مذاکرات ادامه پیدا می‌کند تا اینکه این خبر منتشر می‌شود که یاسر عرفات مبارز با اسرائیلی‌ها، در جایی دیگر با اسرائیلی‌ها به توافق رسیده و کنفرانسی بنام «اسلو» با اسرائیل تشکیل داده است. کنفرانس و صلح اسلو متعلق به سال ۱۹۹۱ است. در اینجا هم کشورهای عربی مذاکره مخفیانه و معامله او را محکوم می‌کنند. یاسر عرفات دست پایین گرفته بوده و با اسرائیلی‌ها به توافق می‌رسد. کشورهای عربی توقع اقدام منفرد عرفات را نداشته‌اند.

یاسر عرفات کرانه باختری و غزه را در این مذاکرات از اسرائیل می‌گیرد. اسرائیل البته در عمل اجازه تشکیل حکومت مستقل در کرانه باختری یا حتی بخشی کوچک از آن را هم به او



نمی‌دهد. در عمل او صرفاً این مجوز را پیدا می‌کند که تعدادی موسسه اجرایی داشته باشد. اما حق داشتن ارتش ندارد. (پلیس دارند اما ارتش نیست)، نام مجموع مؤسسات اجرایی جدید را تشکیلات خودگردان فلسطینی می‌گذارند. اما اسرائیل به شهرک‌سازی در کرانه باختری ادامه داد. در گام بعد اعلام کرد این شهرک‌ها به امنیت نیاز دارد. برای تأمین امنیت، جاده کشید. جاده‌ها اختصاصی بود و فلسطینی‌ها حق عبور نداشتند. تردد مردم فلسطینی همین‌الآن در کرانه باختری، فاجعه است. مشکل نه تنها کم نشد که بیشتر هم شد. یعنی تجربه صلح اسلو تجربه‌ای موفق برای طرف فلسطینی نبود. با این وجود، مذاکرات

■ عرفات، شیمون پرزو مناخام بگین به دلیل توافقنامه اسلو جایزه صلح نوبل گرفتند

ادامه پیدا کرد تا در سال ۲۰۰۲ طرح ملک عبدالله به میان آمد. این طرح پیشنهاد می‌دهد که همه کشورهای عربی به عادی سازی روابط با اسرائیل بپردازند. عرب‌ها در این طرح در صورت توافق اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و قول به عدم حمایت از هرگونه مقاومت می‌دهند؛ در عوض رژیم صهیونیستی سرزمین‌هایی را که در سال ۱۹۶۷ اشغال کرده را باید پس دهد و اجازه دهد کشور فلسطین صرفاً در سرزمین‌های مذکور تشکیل شود. مطلوب دولت‌های عربی در دو دهه اخیر این طرح است. معمولاً در مذاکرات و طرح‌های صلح چانه زنی بر سر چند متغیر بوده است. یکی از این متغیرها موضوع آوارگان است. (چند میلیون آواره‌ای که در حدود سال ۱۹۴۸ از فلسطین اخراج شدند و اغلب در اردن یا کشورهای دیگری مانند سوریه و لبنان در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند.) متغیر دیگر مسئله شهر قدس و مسجدالاقصی است که حاکمیتش با کدام طرف باشد. متغیر دیگر تأسیس دولت مستقل فلسطینی در کرانه باختری و غزه است. طرح‌های مختلف صلح با پافشاری اسرائیل روندی تنازلی داشته‌اند و حداقلی‌ترین آنها طرح ترامپ (معامله قرن) است که صرفاً طرف اسرائیلی آن را پذیرفته است. معامله قرن در همه متغیرهای بالا، سهمی ناچیزتر از همه طرح‌های قبلی را برای فلسطینیان در نظر گرفته که در مقابل پذیرش مشروعیت اسرائیل و توقف مقاومت و عادی سازی روابط با اسرائیل به عنوان یک دولت و کشور عادی توسط دولت‌های عربی، به آنها تعلق خواهد گرفت.

اما مباحث مربوط به سازش در لایه‌های اجتماعی فلسطین و اعراب به ویژه در میان اسلامگرایان پذیرفتنی نبوده است.

مثلاً گروه‌هایی مانند «جهاد اسلامی» راه حل را در مقاومت و افزایش فشار به اسرائیل برای عقب نشینی می‌دانند. شخصیت‌های این طیف،

برآمده از اخوان اند و بعد از انقلاب اسلامی به افکار امام خمینی گرایش پیدا می‌کنند. در دهه هشتاد میلادی متأثر از تجربه انقلاب اسلامی در ایران، گزینه مقاومت مردمی خیلی در فلسطین پررنگ است.

مقاومت مردم ایران در مقابل قدرت‌ها، هر چه بیشتر ادامه پیدا می‌کند مردمان عرب و از جمله فلسطینی‌ها را به این نتیجه می‌رساند که با مقاومت امکان دستیابی به خواسته‌ها وجود دارد. انتفاضه در سال‌های دهه هشتاد میلادی یعنی چند سال پس از انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. انتفاضه یعنی جنبش و انقلاب. انتفاضه فلسطین در آن سالها به انقلاب سنگ مشهور شد. چند سال پس از تأسیس رسمی جهاد اسلامی، و همزمان با شروع انتفاضه گروه حماس نیز اعلام موجودیت می‌کند. حماس سامانی جدید برای بخشی از مبارزان اسلامگرا بود. حماس اکنون بزرگترین گروه فلسطینی است. حضور اسلامگراها روزبه

روز در فلسطین پررنگ‌تر شد. آن‌ها با فرآیند عادی سازی روابط با صهیونیست‌ها (تطبیع) مخالف بودند. این جریان ادامه پیدا می‌کند تا وقتی حزب الله در سال ۲۰۰۰ در لبنان پیروز می‌شود. تجربه مثبتی که نشان می‌دهد مقاومت با حداقل امکانات در مقابل اسرائیل، باز هم امکان پیروزی دارد. چون در صورت تداوم می‌تواند فضا برای رقیب فرسایشی کند و او را خسته و ناچار به عقب

نشینی کند. یعنی به موازات تداوم عملیات‌های مقاومت به مرور افکار عمومی حریف (اشغالگران) را خسته کرده و به واکنش و می‌دارد تا از رژیم خود (اسرائیل) مطالبه عقب نشینی کنند. انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ در چنین فضای فکری شکل گرفت. بهانه این انتفاضه حضور غافلگیرانه شارون در مسجدالاقصی بود. مردم در شهرهای مختلف

فتوحی عبد العزیز

الخمینی الحل الإسلامي والبديل



■ کتاب فتوحی
شقاقي اولین
کتاب در معرفی
امام خمینی به
جهان عرب بود

همزمان به خیابان‌ها آمدند و تصاویر جدیدی از تقابل میلیون‌ها نفر مردم عادی ساکن فلسطین با ارتش اسرائیل شکل گرفت. این انتفاضه هم مدت‌ها طول کشید و تجربه‌ای منفی و پرهزینه برای اسرائیلی‌ها بود.

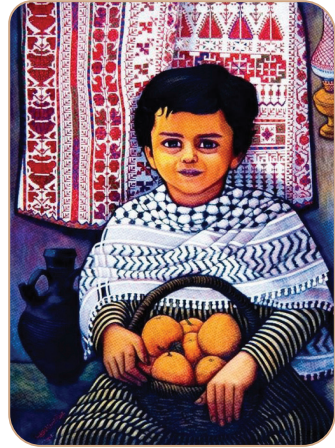


در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ اسرائیل از نوار غزه عقب نشینی کرد. فلسطینی‌ها تصمیم به برگزاری انتخابات در غزه گرفتند. در این انتخابات حماس پیروز شد. پیش از آن حماس و نیروهای منسوب

شادی
مردم پس از
عقب‌نشینی
اسرائیل از جنوب
لبنان در سال
۲۰۰۵

به عرفات با همدیگر رقابت داشتند. نیروهای عرفات وقتی پیروزی را دیدند، در صحت برگزاری انتخابات تشکیک کردند. حماس زیر بار نرفت و در مقابل اصرار معترضان بر به هم زدن بازی و نپذیرفتن نتیجه انتخابات، همه مؤسسات ایشان را به تصرف خود درآورده و فعالان این جریان را با قوه قهریه از صحنه بیرون کرد. با اتکای به همان انتخابات مؤسسات دولت به نخست‌وزیری اسماعیل هنیه تشکیل شد. حزب‌الله و ایران و... از این دولت حمایت کردند. اسرائیل مخالفت کرد. برای اسرائیل روی کار آمدن یک دولت طرفدار مقاومت که متکی بر آرای مردم است قابل پذیرش نبود. اقدام به تنبیه جمعی مردم غزه کرد. از دید اسرائیل همه آنها مقصر بودند چون از حماس و مقاومت حمایت کرده بودند. غزه محاصره شد. می‌خواستند حماس کوتاه بیاید و مردم هم پیشیمان شوند. حماس در غزه علاوه بر وابستگان به جریان فتح (طرفداران یاسر عرفات) مخالفان دیگری هم دارد مثلاً سلفی‌ها هم در

موضوعات مختلف با حماس اختلاف نظر دارند و به این مجموعه فشار می‌آورند. اسرائیل دو سال بعد در سال ۲۰۰۷ به غزه حمله کرد. جنگ ۲۲ روزه را به راه انداخت ولی نتایج مطلوبش را به دست نیاورد. دولت حماس کماکان پابرجا بود و مردم هنوز بر مقاومت اصرار داشتند.^۱ جنگ ۸ روزه و بعد جنگ ۵۱ روزه اتفاق افتاد. فلسطینی‌ها در دوره مُرسی (اولین رییس جمهور مصر پس از انقلاب این کشور) چون مرز رفح باز شد، کمی تنفس کردند. ولی پس



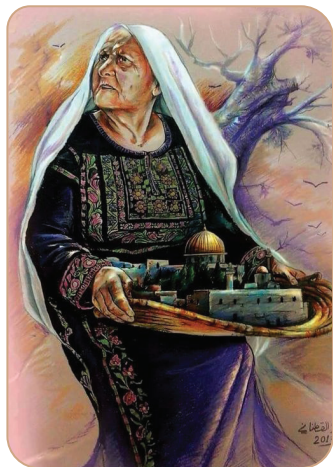
■ خطرات
کشاورزی،
باغهای مرکبات
در یافا و دیگر
شهرهای
فلسطین

از او رفح دوباره بسته شد و محاصره مجدداً کامل شد. هر روز فشار علیه آن‌ها در غزه بیشتر می‌شود. کرانه باختری نیز وضعیت مشابهی دارد و با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی روبروست. اکنون بین نسل‌های جدید این فکرایج شده که هیچ گزینه‌ای جز مقاومت علیه اسرائیلی‌ها فایده ندارد. نمونه‌ای از این نسل، محمدالحلبی دانشجوی حقوق ترم اول و از حامیان جهاد اسلامی بود که با چاقوبه چند اسرائیلی حمله کرد و آن‌ها را کشت. اسرائیلی‌ها متقابلاً او را هدف گرفته و به شهادت رساندند. با اقدام محمدالحلبی الگوی جدیدی از مقاومت در صحنه خرد شکل گرفت که برخی به آن لقب انتفاضه سوم دادند. برخی این الگورا «انتفاضه سکین (چاقو)» می‌نامند. تاکنون این الگو در کرانه ادامه داشته و باعث ایجاد وحشت و ترس اجتماعی و باعث نارضایتی عمومی در دولت اسرائیل شده است. خانواده‌های فلسطینی پرفرزند هستند ولی اسرائیلی‌ها به تبع سبک

۱. برای آشنایی با مسائل دولت حماس در این دوره به کتاب قرائات نقده فی تجربه حماس و حکومتها (مرکز الزیتونیه) مراجعه کنید.

زندگی غربی روز به روز تمایلشان به خانواده و فرزندآوری کمتر شده است. مسئله جمعیت در اسرائیل در حال تبدیل شدن به بحران است. به همین دلیل رژیم صهیونیستی اولاً بر حفظ جان شهروندانش اصرار راهبردی دارد و ثانیاً مهاجرت معکوس که ناشی از نا امنی باشد را برای خود بزرگترین تهدید می‌داند. عملیات‌های جوانان فلسطینی در حمله به اسرائیلی‌ها احساس نا امنی را در میان صهیونیست‌ها فراگیر می‌کند. تاکنون ده‌ها مورد از این الگوی مقاومت عملیاتی شده است. اسرائیل تصمیم گرفته خانه‌های کسانی که چنین کاری می‌کنند را خراب کند... جمله‌ای منسوب به گلدا مایر از اولین نخست وزیران دولت صهیونیستی است که فلسطینی‌ها آن را در هنگامه‌های خط مشی گذاری فرهنگی‌شان یادآوری می‌کنند: «کبارهم سوف یموتون و صغارهم

مسجدالاقصی



سوف ینسون». تحلیل گلدامایر که در این یک جمله خلاصه شده این است که به مرور زمان خاطره فلسطین محو خواهد شد و اثری از آن در حافظه جمعی نسل‌های بعد فلسطینی باقی نخواهد ماند. فلسطینی‌ها اصرار بر این داشته‌اند که یکی از میدان‌های مقاومت را در برابر این چشم انداز قرار دهند.^۱ تلاش برای حفظ و گسترش آداب، رسوم و نشانه‌های سبک زندگی فلسطینی (لهجه، لباس، آشپزی و...) در همین مسیر است.^۲ ثمره مقاومت در

۱. کتاب نکبت: فلسطین، سال ۱۹۸۴ و دعاوی حافظه که به قلم احمد سعدی و لیلیا ابوقود نوشته شده و به فارسی هم ترجمه شده است سعی دارد منازعه و مقاومت را در میدان حراست از حافظه جمعی نشان دهد. همچنین کتاب معروف ولید خالدی با عنوان تا فراموش نکنیم که اسامی و مشخصات دهها روستای فلسطینی که در سال ۱۹۴۸ که ساکنانش قتل عام یا مجبور به مهاجرت شدند را آورده و به زبان‌های مختلف از جمله فارسی ترجمه شده است نمونه‌هایی از مقاومت در این میدان است.

۲. نقاشی‌هایی که به صورت خودجوش بر روی دیوارهای حائل در مناطق اشغالی کشیده شده نمونه‌ای از این مقاومت است.

این میدان و اصرار بر حفظ خاطره جمعی فلسطینی و روایت تاریخی ماجراهای دهه‌های اخیر، باعث شده نسل‌های جدیدی از حامیان فلسطین تاریخی در متولدین دهه‌های اخیر تشکیل شود.

یکی دیگر از الگوهای مقاومت راهپیمایی بزرگ بازگشت (مسیره العوده الکبری) بود. به صورت خودجوش فعالانی از مقاومت تصمیم گرفتند تا به مناسبت روز زمین به مرز سرزمین‌های اشغالی بروند و حتی المقدور با کنار زدن موانع خود را به روستا و خانه محل سکونت پدرانشان برسانند. این ایده چند سال قبل هم اجرایی شده بود و آوارگانی فلسطینی در

کشورهای همسایه به نزدیک مرز رفته و حتی مواردی موافق به نفوذ به داخل سرزمین‌های اشغالی هم شده بودند. این بار جوانانی در غزه پیگیر بازگشت به روستای خود بودند (بسیاری



از ساکنان غزه اصالتاً غزای نیستند و در طرح دالت و جنگ ۱۹۴۸ از دیگر مناطق فلسطین اخراج و در اردوگاه‌های غزه اسکان داده شده‌اند این افراد مایل به بازگشت به شهر و روستای خود هستند) چند روز مانده به روز زمین^۱ در اطراف مرزهای اشغالی چادرهایی برپا کردند. این چادرها به محلی برای گفتگو و انتقال فرهنگ و خاطرات نسل‌های قبل به جوان‌ها تبدیل شده بود. با نزدیک شدن به روز زمین این ایده جدی‌تر شده و گروه‌های مختلف از آن حمایت کردند و تدارک راهپیمایی بزرگ

■ راهپیمایی
بزرگ بازگشت:
محل
الشجاعیه غزه
به سمت مرز
مناطق اشغالی

۱. در ۳ مارس ۱۹۷۶ اسرائیل اقدام به مصادره صدها هکتار زمین اهالی الجلیل کرد که اعتراض و مقاومت صاحبانش به شهادت ۶ نفر از ایشان انجامید. این روز که یادآور یک نمونه از طرح‌های تصاحب زمین فلسطینیان است به عنوان روز زمین نامگذاری شد.

بازگشت دیده شد. اسرائیل هم متقابلاً انواع موانع را برای سد کردن مرز بین غزه و سرزمین‌های اشغالی نصب کرد. روز زمین فرا رسید و مردم در غزه به سمت حصارهای اطراف غزه رفتند و اقدام به تخریب موانع کردند. بیشترین اجتماع در محله شجاعیه در شرق غزه بود. اسرائیلی‌ها در همان روز ۱۵ نفر را به شهادت رساندند. بعد از آن روز، هر جمعه راهپیمایی مشابهی با همین عنوان (بازگشت) در همان مسیر (غزه به سمت مناطق داخلی فلسطین اشغالی) برگزار شد. مردم همچنان اصرار داشتند که محاصره غزه را بشکنند و راه خود را ادامه دهند و سربازان اسرائیل هر جمعه با تیراندازی مانع می‌شدند. شبکه‌هایی مانند الجزیره در فضای عربی و انگلیسی با قوت ایده‌های مقاومت فلسطینی از جمله راهپیمایی‌های بزرگ بازگشت را پوشش می‌دادند. بازتاب جهانی این الگو، برای اسرائیل کم هزینه نبوده؛ فلسطینی‌ها و حامیان مسئله فلسطین در کشورهای مختلف تلاش می‌کنند مقاومت و تقابل با اسرائیل را در میدان‌های مختلف وارد کنند. این مقاومت پرشاخ و برگ، قصه‌ای ادامه دار ساخته که حداقل کاری که حامیان مقاومت در جهان اصرار به انجامش دارند بازگو کردن مداوم این قصه است...



■ نمایی از داخل مسجدالاقصى